

## رادیو زمانه

تاریخ انتشار مطلب: ۲ خرداد ۱۳۸۸

### انقلاب سیبزمینی در ایران

برگردان: احسان نوروزی

روح خمینی: آیا این نخست‌وزیر سابق و دانشجوی پیشین حامی انقلاب ایران، به همان اندازه‌ای که حامیانش تصور می‌کنند اصلاح‌طلب است؟

«مرگ بر سیبزمینی»!

این شعار کنایه‌آمیز که اخیراً در جریان رقابت‌های انتخاباتی ایران توسط جمعیتی درخور توجه در حمایت از میرحسین موسوی سر داده شد، ممکن است برای نشان دادن حمایت از مردی که دو بار نخست‌وزیر ایران بود و اکنون هم جدی‌ترین رقیب و سرسخت‌ترین مخالف احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور کنونی ایران است، کمی عجیب و قدری غریب به نظر برسد.

اما به نظر می‌رسد سیبزمینی‌ها از هر نظر در انتخابات ریاست جمهوری این دوره حضور پررنگ و تأثیر چشمگیری دارند. افزایش توزیع رایگان سیبزمینی در میان مردم، در کنار دامنه گسترده سوبسیدها و صدقات دولتی، به استراتژی برگزیده احمدی‌نژاد برای خرید رأی تبدیل شده است.

در حالی که جهان غرب بر اظهارات فتنه‌جویانه رئیس‌جمهور کنونی ایران در مورد هولوکاست و نیز سیاست‌های تقابله‌گرایانه وی در مسأله هسته‌ای متمرکز شده است، سیاست‌های شکست‌خورده اقتصادی، مشی عوام‌مدارانه و مردم‌فریبانه و منش نامتعارف دیپلماتیک وی، آماج حملات منتقدان داخلی‌اش قرار گرفته است. به‌همین خاطر نگاهی خواهیم داشت به ماجرای سیبزمینی‌ها و بازگشت شگفت‌آور موسوی؛ مردی که در خارج از ایران چندان شناخته شده نیست.

اگرچه بسیاری از لیبرال‌های ایرانی - و برخی از تحلیل‌گران غربی - موسوی را یک اصلاح‌طلب بالقوه می‌دانند که از افراطگرایی‌های فردی چون احمدی‌نژاد به‌دور است، نخست‌وزیر سال‌های نخست پس از انقلاب با فرض این‌که بتواند با سخت‌کوشی ورق را برگرداند و بر شانس اندک پیروزی خود در انتخابات ماه ژوئن (۲۲ خرداد) فائق آید، بیش از آن‌که بتواند ساختار جمهوری اسلامی را اصلاح کند، می‌تواند تغییراتی بسیار جزئی در رفتار حاکمیت پدید آورد. او را می‌توان با لئونید برژنف هم‌سان دانست، نه میخائیل گورباچف.

موسوی ۶۸ ساله هرگز خود را در معرض انتخاب قرار نداده است و تمام سمت‌هایی که تا کنون داشته، انتصابی بوده‌اند. او در ۴۰ سالگی پس از آن‌که مدت کوتاهی به‌عنوان وزیر امور خارجه و سردبیر روزنامه حزب محافظه‌کار جمهوری اسلامی مشغول به‌کار بود، به نخست‌وزیری منصوب شد.

نکته بارز در مورد شخصیت وی این است که به‌هیچ‌وجه شخصیتی کاریزماتیک نیست و به نظر می‌رسد تشکیلات سازمانی منسجمی هم ندارد؛ این همان چیزی است که احمدی‌نژاد دارد و به‌همین خاطر و با توجه به بنیان مذهبی و محافظه‌کارش، گزینه مطلوب حاکمیت است.

گذشته از این، موسوی در دو دهه گذشته به‌طور چشمگیری از انظار عمومی گریزان بود و علائق شخصی‌اش در معماری و نقاشی را پی می‌گرفت. طنین دوران نخست‌وزیری او به گوش نزدیک به دو سوم جمعیت بسیار جوان ایران نرسیده، یا

نمی‌رسد. امروز نسل جدید هیچ دستاورد ملموسی را که حاصل آن دوران باشد به خاطر ندارد، یا نمی‌آورد.

با این وجود، موسوی که فرزند یک بازرگان چای آذری است، سیاست‌مداری زبده و جاه‌طلب نیست؛ این ویژگی‌ها در مورد اطرافیان وی هم صادق است. او به اداره ایران در دهه پراشوب ۱۹۸۰ (دهه ۶۰) که ایران درگیر جنگی خونین با عراق بود و در داخل کشور ناآرامی موج می‌زد، یاری رساند.



عکس‌ها: کلمه

برای مقابله با چالش‌های سهمگین، موسوی دو کابینه جاه‌طلب را تشکیل داد که تمام طیف‌های سیاسی در آن سهم داشتند. میانگین سنی اعضای کابینه در دور اول نخست‌وزیری او (۱۹۸۱ - ۸۵) ۳۷ سال و در دور دوم (۱۹۸۵ - ۸۹) ۴۰ سال بود. هفت تن از وزیران کابینه میرحسین تا کنون کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری شده‌اند و وزیر فرهنگ وی، محمد خاتمی، دو بار پیاپی پیروز انتخابات شد.

موسوی گزینه مطلوب آیت‌الله خمینی، رهبر ارکستر انقلاب ایران بود و پس از آن هم مورد تایید جانشین وی قرار گرفت. اما موسوی پس از مدتی (اندیشه‌های) خود را در تقابل با آیت‌الله علی خامنه‌ای، رئیس جمهور وقت و رهبر کنونی ایران دید؛ کسی که از بستگان دور او نیز محسوب می‌شود. اختلافات آن‌ها بر سر مسائل اقتصادی بود؛ موسوی به‌شدت از اقتصاد دولتی و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت حمایت می‌کرد، در حالی که خامنه‌ای مشارکت بیشتر بخش خصوصی را مطلوب می‌دانست.

اختلافات آن‌ها تا حدی بالا گرفت که خامنه‌ای با فشار آیت‌الله خمینی با انتصاب مجدد موسوی به سمت نخست‌وزیری موافقت کرد. اختلاف این دو در سپتامبر ۱۹۸۸ به اوج خود رسید و در آن هنگام بود که موسوی رسماً استعفای خود را اعلام کرد.

آیت‌الله خمینی از پذیرش استعفای وی سر باز زد، چرا که معتقد بود در حالی که مذاکرات برای آتش‌بس با عراق در جریان است، پذیرش استعفای نخست‌وزیر اقدام مناسبی نیست. در هر صورت کمتر از یک سال بعد، سمت نخست‌وزیری کاملاً حذف شد تا جایگاه ریاست جمهوری بیشتر تقویت شود. شکست موسوی که با مرگ مراد و حامی‌اش آیت‌الله خمینی در سال ۱۹۸۹ همراه شد، او را وادار کرد که عرصه سیاست را ترک کند.

به هر حال، بازنشستگی سیاسی مقدمه‌ای برای انزوای میرحسین بود. او هم به خاتمی و هم هاشمی رفسنجانی مشاوره می‌داد و همواره از اعضای ثابت برخی از قدرتمندترین نهادهای ایران بود که عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام (از سال ۱۹۸۹ تا کنون) که نظارت نهایی بر تصمیمات دولت را بر عهده دارد و به رهبر ایران هم مشاوره می‌دهد، و نیز عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی (از ۱۹۹۶ تا کنون) که وظیفه‌اش بررسی مطابقت سیاست‌های فرهنگی، آموزشی و پژوهشی با ارزش‌های دولت اسلامی است، از برجسته‌ترین آن‌ها به شمار می‌روند.

موسوی از سال ۱۹۹۹ رئیس فرهنگستان هنر ایران بوده است. او از شهرت و اعتبار خود بهره گرفت تا امکانات بیشتری برای هنرمندان فراهم کند و تعریف جامع‌تری از فعالیت‌های هنری ارائه دهد.

بیش از ۴۷۰ نفر برای نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری و رقابت با احمدی‌نژاد ثبت‌نام کرده‌اند، اما انتظار می‌رود شورای نگهبان - نهادی تحت تسلط محافظه‌کاران که وظیفه نظارت بر انتخابات را بر عهده دارد - کمتر از یک درصد آن‌ها را به‌عنوان کاندیدای نهایی انتخابات تأیید کند. در میان معدود افرادی که مورد تأیید قرار می‌گیرند، موسوی جدی‌ترین رقیب احمدی‌نژاد خواهد بود.



حامیان موسوی معتقدند پیشینه روشن وی در مدیریت اقتصاد در دوران جنگ نشان می‌دهد که او می‌تواند در مسائل اقتصادی موفق‌تر از احمدی‌نژاد ظاهر شود. گذشته از این، آن‌ها به این نکته هم اشاره می‌کنند که سابقه خدمت وی به‌عنوان وزیر امور خارجه - اگرچه فقط چند ماه بود - به او کمک خواهد کرد که در درک ظرافت‌های دیپلماسی توانا تر از رقیب خود باشد. او حمایت خاتمی - از قدرتمندترین روحانیون مخالف احمدی‌نژاد - و طیف وسیعی از سیاست‌مداران و سازمان‌های اصلاح‌طلب را هم پشت‌سر خود دارد.

اما احتمال پیروزی موسوی بسیار کم است. گذشته از محدودیت‌های سیاسی، مهدی کروبی، رئیس سابق مجلس که به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر بخشی از آرای اصلاح‌طلبان را از آن خود خواهد کرد نیز موقعیت او را به چالش می‌کشد.

منتقدان سرسخت لیبرال وی تأکید می‌کنند که دولت موسوی مسئول اعدام‌های گسترده مخالفان سیاسی در سال ۱۹۸۸ بوده است، آن‌ها می‌گویند موسوی از آن پس همواره در برابر نقض حقوق بشر سکوت کرده و هیچ واکنش موثری نشان نداده است.

آن‌ها به حمایت موسوی از فتوای خمینی علیه سلمان رشدی، نویسنده انگلیسی کتاب «آیات شیطانی» هم اشاره می‌کنند. تصور عمومی بر این است که او گرایش نیرومندی به بازگشت به سال‌های نخست پس از انقلاب دارد؛ روزهایی که اقتصاد اسلامی، ایثار عمومی و خودکفایی وارد عرف سیاسی ایران شد.

اگر این منتقدان و نیز جمعیت جوان ایران تصمیم به تحریم انتخابات بگیرند و نسبت به آن بی‌اعتنا باشند، بازگشت مجدد و موقت موسوی به عرصه فعالیت‌های سیاسی بی‌فایده و اقامت او در این عرصه بیش از اندازه زودگذر خواهد بود.

اما چنانچه او بتواند نظر عموم ایرانیان را به خود جلب کند، جهان هم می‌تواند منتظر موسوی رئیس جمهور باشد که در جایگاهی میان اصلاح‌طلبی انعطاف‌پذیر خاتمی و ناسیونالیسم (ملی‌گرایی) جنجالی و گوش‌خراش احمدی‌نژاد قرار خواهد گرفت.

او از حق ایران برای غنی‌سازی اورانیوم صرف‌نظر نخواهد کرد. او از ارتقای روابط با ایالات متحده استقبال خواهد کرد، اما در هر نوع مذاکره‌ای به‌شدت به چانه‌زنی خواهد پرداخت. در داخل کشور هم اشتیاق و جدیت او برای تحقق جامعه مدنی و آزادی‌های سیاسی به‌هیچ‌وجه شباهتی با دوران خاتمی نخواهد داشت.

صرف‌نظر از اختلافات، به نظر می‌رسد موسوی عزم خود را جزم کرده است. شاید به گمان او این بهترین فرصت - یا حتی تنها فرصت - برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری است. در مراسم ازدواج ایرانی‌ها، روحانی‌ای که قرار است عروس و داماد را رسماً به عقد شرعی هم درآورد، سه بار از عروس می‌پرسد «آیا بنده وکیلیم؟». عرف این است که عروس سکوت می‌کند تا پس از آن‌که برای سومین بار این سوال مطرح شد، بگوید «بله». اینک میرحسین پس از آن‌که دو بار در سال‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۰۵ تقاضای دیگران برای کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری را رد کرد، تصمیم گرفته است که «بله» را بگوید.

 ارسال / اشتراک

ShareThis

---

مقاله‌ای از مهرزاد بروجردی، استاد علوم سیاسی در دانشگاه سیراکیوز و نویسنده کتاب «روشنفکران ایرانی و غرب»

تمام حقوق مربوط به این وبسایت و محتوا آن بر اساس پروانه‌ی کربینو کامنز متعلق به رادیو زمانه است.